فرهنگ قرآنى‏1

مگر متقين، هدايت نيافته‏اند؟! پس چرا در سوره بقره مى‏خوانيم: «هدىً للمتقين»؛ آيا اين امر، تحصيل حاصل نيست؟

در هدايت اين افراد علاوه بر عليت فاعل، «قابليت» قابل نيز شرط است. به همين جهت، خداوند متعال مى‏فرمايد: «قرآن، هادى و راهنماى متقيان است»؛ يعنى در وجود انسان‏ها، ابتدائاً، اگر مرحله‏اى از تقوا (پذيرش و تسليم در مقابل حق) وجود نداشته باشد، محال است كه انسان بتواند از هدايت كتاب‏هاى آسمانى و دعوت انبيا بهره بگيرد. بنابراين، متقين داراى دو هدايت‏اند: هدايت نخستين كه به خاطر آن متقى شده‏اند و هدايت دوم كه خداوند به پاس تقوايشان به ايشان كرامت كرده است.

چون هدايت دوم به بركت قرآن كريم صورت مى‏گيرد، معلوم مى‏شود كه هدايت نخستين آنان پيش از قرآن بوده و سبب آن هم سلامت فطرتشان مى‏باشد. به بيان ديگر، قرآن كريم، براى كسانى مايه هدايت است كه از فطرت سالم و سلامت نفس برخوردار هستند. پس اين نوع هدايت، تحصيل حاصل نخواهد بود؛ زيرا آنان پيش‏تر بهره‏مند از تقواى نسبى بوده‏اند و به وسيله قرآن، به مراتب و درجات بالاترى از تقوا مى‏رسند. افزون بر اين، افراد در نيل به اين مراتب، مختلف‏اند و هر كسى در جستجوى مراتب و درجات بالاترى از تقواى خويش است.2

نظير اين موضوع، آيه‏اى از قرآن كريم است كه درباره ايمان به عقايد اسلامى مى‏فرمايد: «يا أيّها الَّذين آمنُوا أمِنُوا بِاللّهِ وَ رَسُولِه وَ الكِتبِ الّذى نَزَّلَ عَلى رَسُولِه وَ الكِتبِ الّذى أَنزَلَ مِن قَبلُ»؛3 اى كسانى كه ايمان آورده‏ايد! به خدا و پيامبر و كتابى كه بر پيامبرش فرو فرستاد و كتاب‏هايى كه پيش از اين نازل كرده، ايمان بياوريد... .

ايمان نيز همچون تقوا داراى مراتب مختلفى است و مؤمنان هر يك در مرتبه‏اى از مراتب ايمان قرار دارند. علامه طباطبايى (ره) مى‏فرمايد: «در اين آيه، روى سخن به تمام مؤمنان است؛ مؤمنانى كه اجمالاً به خدا و پيامبر ايمان آورده، اما با جزئيات و تفاصيل معتقدات اسلامى آشنا نشده‏اند. اينجاست كه خداوند فرمان مى‏دهد كه مؤمنان واقعى بايد به تمام انبيا و كتب آن‏ها و فرشتگان الهى... ايمان داشته باشند.

بنابراين، مراد از ايمان نخست، ايمان به طور اجمال و سربسته است و مراد از ايمان دوم، ايمان به تفاصيلى است كه در آيه بيان شده است.»4

به بيان ديگر، ايمان داراى درجاتى است و مؤمن، در هر مرتبه‏اى كه باشد، بايد تلاش كند تا خود را به مرتبه بالاترى از ايمان برساند. دو آيه «وَ الّذينَ اهْتَدَوا زادَهُم هُدىً»5 و «لِيَزدادُوا إيماناً»6 نيز به همين مطلب دلالت دارند.7

به طور كلى، آياتى از اين دست در قرآن كريم، توصيه به كسب درجات والاتر فضايلى چون ايمان و تقواست و دلالت بر اين امر دارند كه اسلام پيروان خود را از ركود و بسنده نمودن به مرتبه‏اى از درجات و مقامات معنوى و اخلاقى بر حذر داشته، همواره آنان را به رشد و پويايى و نيل به شناخت بيشتر در حوزه دين و عقيده دعوت مى‏كند.

الف) علت اهميت بيت المقدس از نظر قرآن چيست؟ ب) با توجه به اين كه حضرت آدم (عليه‏السلام) كعبه را بنا نهاد و قدمت تاريخى آن بيش از بيت‏المقدس است، چرا خداوند به پيامبر اسلام(صلى‏الله‏عليه‏وآله) امر كرد تا ابتدا به طرف بيت المقدس و سپس رو به كعبه نماز بخواند؟

الف) خداوند متعال درباره مسجدالاقصى مى‏فرمايد: «...الّذى بارَكْنا حَوْلَهُ...»؛8 آن [مسجدالاقصايى‏] كه پيرامون آن را بركت داديم... .

بركت در اين آيه، ممكن است بركات ظاهرى باشد؛ چون بيت المقدس در منطقه‏اى سرسبز و خرم واقع شده است و نيز ممكن است كه مقصود بركات معنوى باشد؛ زيرا اين سرزمين همواره كانون پيامبران بزرگ خداوند و خاستگاه توحيد و محل فرود آمدن فرشتگان وحى بوده و به همين خاطر، مقدس و مطهر از شرك گرديده و اهميت پيدا كرده است.9

ب) خداوند متعال مى‏فرمايد: «... وَ مَا جَعَلنا القِبلَةَ الّتى كُنتَ عَلَيها الاّ لِنَعْلَمَ مَن يَتَّبع الرَّسُولَ مِمَّن يَنقَلِبُ عَلى عَقِبَيْهِ و إن كانَت لَكَبيرةً الاّ عَلى الّذينَ هَدَى اللّهُ...»؛10 و قبله‏اى كه (چندى) بر آن بودى، مقرر نكرديم، جز براى آن كه كسى را كه از پيامبر پيروى مى‏كند، از آن كس كه از عقيده خود برمى‏گردد، بازشناسيم؛ و البته [اين كار] جز بر كسانى كه خدا هدايت‏[شان‏] كرده سخت گران بود... .

از اين آيه استفاده مى‏شود كه مسجدالاقصى به طور موقت قبله مسلمانان بوده و خداوند متعال نيز آن را يك آزمايش بزرگ براى مشخص شدن جايگاه مؤمنان و مشركان قرار داده است؛ زيرا خانه كعبه در آن زمان، كانون بت‏هاى مشركان بود و مسلمانان طبق دستور خداوند، به طور موقت، به سوى بيت‏المقدس نماز خواندند تا به اين وسيله، صفوف خود را از مشركان جدا كنند. مسلمانان بعد از هجرت به مدينه و تشكيل حكومت و شناسايى مرزهاى عقيدتى خويش به سوى كعبه، قديمى‏ترين مركز توحيد و پر سابقه‏ترين كانون انبيا، نماز گزاردند.11

بنابراين از آن جا كه بيت‏المقدس و مسجدالاقصى كانون پيامبران الهى و خاستگاه توحيد و محل فرود آمدن فرشتگان وحى و مقدس و مطهر از شرك بود، مدتى قبله مسلمانان قرار گرفت و خانه كعبه نيز از آن جا كه قديمى‏ترين مركز توحيد و كهن‏ترين خاستگاه پيامبران بزرگ الهى بود، پس از بيت المقدس و براى هميشه، قبله مسلمانان جهان شد. اين دو سرزمين مقدس، نسبت به سرزمين‏هاى ديگر، برترى و فضيلت ويژه‏اى دارند و از اهميت فراوانى برخوردار هستند و به طور طبيعى، انتخاب اين دو مركز براى قرار گرفتن قبله، رجحان داشته و دارد.12

پى‏نوشت‏ها:

1- مطالب اين بخش از مركز فرهنگ و معارف قرآن اخذ شده است.

2- آيت الله ناصر مكارم شيرازى، تفسير نمونه، ج 1، ص 67؛ علامه طباطبايى، تفسير الميزان، ج 1، ص 43.

3- نساء/ 136.

4- تفسير الميزان، ج 5، ص 113.

5- محمد/ 17.

6- فتح/ 4.

7- تفسير نور، ج 2، ص 471.

8- اسراء/ 1.

9- ر.ك: مرحوم طبرسى (ره)، مجمع البيان، انتشارات ناصر خسرو، ج 5 و 6، ص 611.

10- بقره/ 143.

11- ر.ك: تفسير نمونه، دارالكتب الاسلامية، ج 1، ص 486.

12- ر.ك: همان.